

تکثرگرایی هویت‌های قومی و فرهنگی در گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان حاکم بر روابط بین‌الملل

عبدالرسول یعقوبی<sup>۱</sup>

چکیده

ظهور انقلاب اسلامی، تکثرگرایی قومی و فرهنگی را که در مبانی و ویژگی‌های آن با تکثرگرایی غربی متفاوت است، مطرح کرد. تبیین گفتمان انقلاب اسلامی در مورد تکثرگرایی فرهنگی و اجتماعی، در فضای تقابل گفتمان‌ها یک ضرورت است. این گفتار، در حوزه بنیادهای نظری، ریشه‌های معرفت اجتماعی و ریشه‌های معرفت‌شناسی تکثرگرایی و پیامدهای حاصل هر یک از این دو گفتمان را در حوزه تجویز مورد بررسی قرار داده است. گفتمان انقلاب اسلامی، از میان رهیافت‌های مختلف یکسان‌سازی، تکثرگرایی محض و وحدت در عین کثرت، بر رهیافت سوم تأکید دارد. با عنایت به اینکه تکثرگرایی بر دو پایه هویت مشترک و هویت‌های خاص بنا شده است، چیستی هر یک از این دو در دو گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان غربی مورد توجه قرار گرفته است. حقوق هویت‌های خاص قومی و مذهبی از دیدگاه برخی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده انقلاب اسلامی، یعنی قانون اساسی و امامین انقلاب اسلامی و مقایسه آن با حقوق مطرح‌شده در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی»، بخش اخیر این گفتار را تشکیل می‌دهند. به‌رغم مباحث فراوانی که در کتاب‌ها و مقالات درباره اقوام و مذاهب در جامعه ایران سخن گفته شده است، گفتار مدونی در موضوع گفتمان انقلاب اسلامی در باب تکثرگرایی هویت‌های قومی و فرهنگی و مقایسه آن با گفتمان غربی تدوین نشده است. این گفتار تلاش کرده است، با روش تحلیل اسنادی، به این سؤال پاسخ دهد که تفاوت‌های میان گفتمان غربی و گفتمان انقلاب اسلامی در خصوص تکثرگرایی قومی و فرهنگی چیست؟

واژه‌های کلیدی: گفتمان انقلاب اسلامی، تکثرگرایی، هویت مشترک، گفتمان غربی، هویت‌های قومی و فرهنگی.

مقدمه

ظهور انقلاب اسلامی به علت ماهیت کاملاً دینی و شیعی آن، گفتمان‌های جدیدی را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، حقوقی، روابط بین‌الملل و بحران‌های جهانی مطرح کرد. یکی از موضوعات گفتمانی انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگ و اجتماع، تکثرگرایی هویت‌های اجتماعی و فرهنگی است. بدون تردید، قریب به اتفاق جوامع کنونی، از

قومیت‌ها و اقلیت‌های دینی و مذهبی برخوردار هستند که لازم است رهیافت آن جوامع در ارتباط با اقلیت‌های قومی و فرهنگی و حقوقی که آنان از آن برخوردارند، مشخص شود.

ظهور انقلاب اسلامی و مواجهه آن با هویت‌های قومی، دینی و مذهبی، چه در سطح ایران و چه در سطح منطقه، ایجاب می‌کند که موضع خود را مشخص کند. بدون تردید این گفتمان به علت ماهیت کاملاً دینی آن با گفتمان غربی یا تکثرگرایی حاکم در روابط بین‌الملل، از جهاتی متفاوت است. سؤال این است که گفتمان انقلاب اسلامی در باب تکثرگرایی چه تفاوت‌هایی با گفتمان غربی دارد؟ پاسخ به این سؤال، با عنایت به ریشه‌های اعتقادی و فکری گفتمان انقلاب اسلامی، در درجه اول به کشف مبانی گفتمانی این موضوع و در درجه دوم به رهیافت‌های تکثرگرایی و در مرحله سوم به چیستی هویت مشترک و هویت‌های خاص و بالاخره به تفاوت این دو گفتمان در باب حقوق مربوط به اقلیت‌ها بازمی‌گردد. علی‌رغم فراوانی کتاب‌ها و مقالات درباره موضوع هویت‌های قومی و مذهبی، اما هیچ‌کدام، نه تنها از منظر گفتمان انقلاب اسلامی — جز به طور محدود و پراکنده — بحث نکرده‌اند، بلکه در این مورد هیچ‌گونه بحث تطبیقی ارائه نداده‌اند. به همین علت، این گفتار درصدد است تا موضوع مذکور را با تکیه بر روش تحلیل اسنادی مورد بررسی قرار دهد.

مفاهیم و بنیادهای نظری

## تعریف هویت ۲

هویت کلمه‌ای است عربی و از «هُوَ» که ضمیر مفرد مذکر غایب است، مشتق شده است و بر حقیقت، ذات، هستی و تشخیص دلالت دارد (معین، ۱۳۷۵: ج ۴، ص ۵۲۲۸). هویت چیزی است که کیستی و چیستی فرد با آن شناخته می‌شود و بیانگر صفات اصلی موصوف خودش است. به عبارت دیگر، وقتی هویت چیزی را مورد پرسش قرار می‌دهیم، آنچه در پاسخ می‌آید، باید به‌راستی گویای حقیقت، کیستی و چیستی آن شیء باشد (الطائی، ۱۳۸۲: ص ۳۳ — ۳۴). هویت کوتاه‌ترین پاسخی است که در جواب پرسش از کیستی می‌آید (خسروی، ۱۳۹۱: ص ۶).

اما در نگاه عرفی دقیق، هویت هم بر تشابه دلالت دارد و هم بر افتراق. هویت یک جامعه، حقایق ثابت و پایدار مشترک میان اعضای یک جامعه هستند که در آن جامعه وجود دارند و در غیر آن جامعه وجود ندارند. بنابراین، می‌توان آن را مرز یا شاخصه افتراق آن جامعه با سایر جوامع نامید (الطائی، ۱۳۸۲: ص ۱۳۹).

اعضایی که در ذیل عنوان یک هویت اجتماعی مثل قومیت قرار می‌گیرند، با تکیه بر سه عنصر، با هویت اجتماعی خود پیوند برقرار می‌کنند:

۱. عنصر شناختی که فرد را به هویتی که به آن تعلق دارد، آگاه می‌کند؛

۲. عنصر ارزشی که بیانگر پیامدهای مثبت یا منفی عضویت گروه در آن هویت است؛

۳. عنصر احساسی و عاطفی که بیانگر احساسات مثبت یا منفی و شدید یا ضعیف فرد به افراد دیگری است که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند (گودرزی، ۱۳۸۵: ص ۲۴).

### تکثرگرایی ۳

دیدگاهی است که سازماندهی و ساماندهی هم‌گرایی اجتماعی و فرهنگی یک جامعه را به گونه‌ای مطلوب می‌داند که در آن هویت‌های مختلف قومی، مذهبی، دینی و فکری - عقیدتی، هم امکان وسایل حفظ و حراست از ارزش‌های خاص خود را دارا هستند و هم به احقاق حقوق خود دست می‌یابند. در جامعه کثرت‌گرا، تمامی گروه‌های فرهنگی و فکری، از طریق مشارکت و همزیستی در عین حفظ ویژگی‌های خود، به یک نظام اجتماعی - فرهنگی و سیاسی ملحق شده‌اند (امیری، ۱۳۸۸: ص ۹۱). در رهیافت تکثرگرایی به خلاف رهیافت یکسان‌سازی، سیاست‌ها در جهت حمایت از حفظ و یا حتی تشدید گوناگونی موجود میان گروه‌های قومی، زبانی، دینی و فرهنگی است (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ص ۹۲).

### گفتمان ۴

مفهوم گفتمان، همان‌گونه که مهم‌ترین نظریه‌پرداز معاصر آن، میشل فوکو می‌گفت، مفهوم پیچیده‌ای است و او خود بر این پیچیدگی افزود. گفتمان گاه به‌عنوان تعمیم مفهوم گفتار به همه اشکال آن، یعنی گفت‌وگفتگو، استدلال، سخنرانی، خطابه و غیر آن و همه متن‌ها تعریف می‌شود؛ اما بدون تردید در اصطلاح «گفتمان‌ها زبان یا نظامی از بازنمایی هستند که به‌گونه‌ای اجتماعی شکل می‌گیرند تا مجموعه کمابیش منسجم از معانی را در باره حوزه‌هایی از عناوین و مسائل مهم ایجاد کنند و به گردش درآورند» (رشیدیان، ۱۳۹۳: ص ۵۳۶). به عبارت دیگر، «گفتمان‌ها پویایی زبانی هستند که کارکردهای اجتماعی، شناخت‌شناسی، خطابه‌ای و غیره یک گروه را بازتاب می‌دهند و هم‌زمان از قدرت تحمیل این کارکردها در گروه نیز برخوردارند» (همان). برداشت این است که گفتمان‌ها علی‌رغم برخورداری از بعد اندیشه‌ای، شکل‌گیری و قدرت تحمیل خود بر اذهان را، مدیون علایق و جهت‌گیری‌های اجتماعی است.

### هویت قومی

---

3. pluralism.

4 .Discourse.

قوم ۶۵ یا پادوند، یک گروه انسانی- نژادی است که در چارچوب آن، از زبان و فرهنگ و سبک زندگی و تمنیات گروهی ویژه‌ای برخوردار است. یک گروه قومی، اجتماع کوچکی از انسان‌ها در درون جامعه‌ای بزرگ‌تر است که به صورت «واقعی» یا «احساسی و ادراکی» دارای اصل و نسب مشترک، خاطرات مشترک و گذشته تاریخی- فرهنگی مشترک است. همچنین دارای یک یا چند عنصر سمبلیک نظیر خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک است که هویت گروهی آنان را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضای آن به تعلقات گروهی قومی خویش آگاهی دارند (قاسمه، ۱۳۸۹: ص ۱۹۸). برداشت این است که به یک گروه، زمانی قوم یا پادوند گفته می‌شود که اعضای آن دارای نیای مشترک باشند. با توجه به عدم خلوص نژادی که در اکثر گروه‌های انسانی به وجود آمده است، مهم‌ترین نمادی که با آن یک قوم از قوم دیگر شناخته می‌شود، زبان و فرهنگ آن قوم است. بر این پایه، هویت قومی ۷، مجموعه مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، تاریخی و نفسانی است که در یک گروه انسانی- نژادی ظهور پیدا می‌کند و آن گروه را از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد (الطائی، ۱۳۸۲: ص ۱۵۸).

#### هویت‌های فرهنگی

فرهنگ‌های قومی و طایفه‌ای، محلی و گروه‌های مختلف اجتماعی، که افراد یا گروه‌ها در تعاملات فرهنگی به‌عنوان «فرهنگ ما» یا «قوم ما» به آن اشاره می‌کنند، همان هویت‌های فرهنگی و قومی هستند. معمولاً در درون جوامع بزرگ‌تر، اجتماعات کوچک‌تری وجود دارند که دارای عقاید و ارزش‌ها و آداب و رسوم مخصوص به خود یا برخوردار از ویژگی‌های نژادی خاص می‌باشند. اگر این اجتماعات در اصول کلی با جامعه بزرگ‌تر مشترک باشند، به آن‌ها خرده‌فرهنگ می‌گویند. بنابراین، به مجموعه‌ای متمایز از ارزش‌ها در درون فرهنگ اصلی، خرده‌فرهنگ و در صورتی که در غالب یک هویت ظهور کنند، به آن هویت فرهنگی گویند.

#### هویت دینی و مذهبی

از بارزترین مصادیق هویت‌های فرهنگی، هویت دینی و مذهبی است که با فطرت الهی متفاوت است (امام خمینی، ۱۳۷۱: ص ۱۸۰). هویت‌های فرهنگی و از جمله هویت دینی یا هویت مذهبی، یک وجود ثانوی است که در فرایند جامعه‌پذیری و از

---

#### 5 . Ethnic group .

. انّ الوطنيّه، هی الارتباط بقطعه من الارض تعرف باسم الوطن، والقومیه: هی ارتباط الفرد بجماعه من البشر تعرف باسم الامه 6 (الحصري، ۱۹۹۰م/ ۱۳۶۹ش: القسم الاول، ص ۹).

#### 7 . Ethnic identity.

طریق انتقال سنت‌های اجتماعی، از نسلی به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد. این وجود ثانوی یا هویت جدید، همان چیزی است که در روایات اسلامی به آن و رابطه‌اش با فطرت الهی، تحت عنوان هویت دینی و هویت مذهبی اشاره شده است. ۸.

هویت دینی، نظامی از اعتقادات، احکام و قوانین، مراسم و عبادات و ارزش‌های اخلاقی است که اولاً دیدگاه انسان را به عالم و آدم بیان می‌کند و ثانیاً نحوه رابطه فرد را در چارچوب روابط گروهی با جامعه، خود و خالق متعال، یا نیروهای مافوق تصور یا ارواح یا خدایان یا بت‌ها مشخص می‌سازد. هویت مذهبی، طریقه‌ای خاص در فهم مسائل اعتقادی است؛ مانند مذهب شیعه یا اهل سنت و اشعری، معتزلی و ماتریدی و در اصطلاح فقهی، روشی خاص در استنباط احکام کلی فرعی از ظاهر کتاب و سنت مانند فقه مذهب شیعه، حنفی، مالکی، حنبلی و غیر آن است.

بنیادهای نظری تکثرگرایی در گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان غربی

ریشه‌های معرفت اجتماعی تکثرگرایی در گفتمان غربی

تکثرگرایی در ذات و ریشه خود، تا اندازه زیادی بستگی به این دارد که جامعه را چگونه تبیین کنیم و یا اینکه جامعه چگونه باید باشد؛ منظم یا ستیزه‌جو و یا متکثر؟ ساختارمند یا فردگرا یا تلفیقی از این دو؟ جامعه‌شناسان در مقام اکتشاف نظریه جامعه‌شناسی، سویه‌های مختلف و گاه متضادی را دنبال کرده‌اند. برخی از جامعه‌شناسان، مانند ساختارگرایان کارکردگرا جامعه را به صورت موجودی هم‌بسته، یکپارچه و منظم دیدند و تحت عنوان «نظریه‌های توافق»، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را برای جامعه بنیادی دانسته و بر نظم اجتماعی مبتنی بر توافق‌های ضمنی تأکید کرده‌اند. در مقابل برخی دیگر، تحت عنوان نظریه‌های ستیز، جامعه را به صورت موجودی ستیزه‌جو تبیین کرده‌اند (ریترز، ۱۳۸۴: ص ۱۱۸). تعدیل نظریات افراطی توافق و کشمکش، جامعه‌شناسان را به سوی نظریه‌های تلفیقی توافق – کشمکش کشاند. خروجی دیدگاه‌های تلفیقی در حوزه توصیه و تجویز، تکثرگرایی در جامعه بود.

از سوی دیگر، نظریه پردازان علوم اجتماعی، به یکی از گرایش‌های خرد یا کلان تأکید می‌کردند و یکی از این دو را عامل تعیین‌کننده رفتار می‌دانستند. برای مثال، کارکردگرایان و نظریه‌های ساختارگرا (در اشکال مختلف پارسونزی و نئومارکسیستی) بیشتر بر ساختارها تأکید دارند و به ساخت اولویت می‌دهند. در مقابل، دیدگاه تفسیری و نظریه‌هایی همچون کنش متقابل نمادین و هرمنوتیک، نقش سرنوشت‌ساز عامل‌ها و کارگزاران انسانی را در خلق و مدیریت جهان اجتماعی‌شان برجسته می‌دانستند (کیدنز، ۱۳۸۴: ص ۱۷). با ظهور جامعه‌شناسانی نظیر گیدنز و هابرماس در دهه ۱۹۸۰ میلادی، تقریباً تمامی جامعه‌شناسان به این توافق دست یافتند که «رویارویی میان نظریه کلان و نظریه خرد، دیگر به گذشته تعلق دارد» (ریترز،

---

. وَ رَوَى فَضَيْلُ بْنُ عُمَانَ الْأَعْمُرِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ اللَّذَانِ يَهُودَانِيَهُ وَ يُنَصِّرَانِيَهُ وَ 8  
شوند؛ الا اینکه با تربیت پدر و مادر (جامعه) هویت یهودی، مسیحی و یا مجوسی یُمَجِّسَانِيَهُ؛ تمام انسان‌ها بر فطرت الهی متولد می  
گیرند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۴۹). می

۱۳۸۴: ص ۵۹۷). از آن پس، رابطه دیالکتیک میان ساختارهای اجتماعی و نقش عاملان اجتماعی، اساس و پایه نظریه جامعه‌شناسی جدید را تشکیل داد. مبتنی بر این نظریه، عاملان آگاه از طریق اعمال اراده و داوری، جهان اجتماعی خود را می‌سازند و در همان زمانی که از ساختارهای کلان اجتماعی تأثیر می‌پذیرند، به خلق ساختارهای جدید اقدام می‌کنند. خروجی این سویه از نظریه جامعه‌شناسی، ساختارگرایان و کارکردگرایان کلاسیک را در تنگنا قرار داد و خروجی آن در حوزه تجویز، ارزش نهادن به اراده، آگاهی و خواست فرد، ساختارهای خرد و در یک کلام، تکثرگرایی در جامعه بود. نکته مهم در تکثرگرایی تجویز شده و برآمده از جامعه‌شناسی غرب این است که موضوع تکثر، کاملاً صبغه اجتماعی دارد و بر مبنای انسان‌گرایی، فردگرایی و جدایی دین از حوزه اجتماعی — سیاسی تعریف می‌شود. از این جهت، تکثر در حوزه‌های مختلف بر مبنای لذت و اهواء انسانی تعریف می‌شود، از زمانی به زمان دیگر و مکانی به مکان دیگر تغییر می‌کند و حق و ناحق در آن معنا ندارد.

#### ریشه‌های معرفت اجتماعی تکثرگرایی در انقلاب اسلامی

ریشه‌های معرفت اجتماعی تکثرگرایی در انقلاب اسلامی ۵۷ را باید در مبنای انقلاب اسلامی جستجو کرد. با اتکا بر ارکان و مؤلفه‌های سه‌گانه تشکیل دهنده انقلاب، یعنی رهبری، ایدئولوژی و مردم، آنچه مبنایی‌ترین مبنای انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد، اسلام و تشیع است. از نظر اسلام، اولاً جهان اجتماعی بر صلح و سلم بنا شده است؛ زیرا اگرچه نیروهای متضاد «فجور» و «تقوا» هر دو در انسان به ودیعه گذاشته شده است<sup>۹</sup>، اما معاضدت و پشتیبانی ارزش‌ها و قواعد یکپارچه‌ساز دینی از فطرت الهی و تقوا<sup>۱۰</sup> به توافق اجتماعی و در همان حال به جامعه‌ای متکثر منتهی خواهد شد. ۱۱ در غیر این صورت، غلبه هریک از این دو نیروی متضاد، وقتی بروز اجتماعی پیدا می‌کند، نه تنها موجب درگیری و تعارض در یک جامعه است، بلکه این تعارض، مبنای درگیری تاریخ انسان را تشکیل می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که فلسفه الهی تاریخ، بر پایه اندیشه درگیری مستمر حق و باطل گذاشته شده است؛ اگرچه حضور انبیای الهی و انتشار عقاید توحیدی، ارزش‌ها و قوانین اجتماعی، به ایجاد توافق اجتماعی و درعین حال متکثر منتهی خواهد شد.

به این ترتیب، انسان‌شناسی اسلامی با تکیه بر دو اصل انسان‌شناختی که عبارت‌اند از: تألیف طبیعی انسان از دو نیروی متضاد فطرت و فجور و وجود اختیار و امکان انتخاب، جهان اجتماعی از نیروهای متعارض و متزاحم را رقم می‌زند که بر تعارضات

(الشمس: ۸). ﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ . 9

(الشمس: ۹). ﴿فَقَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ . 10

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (بقره: ۲۱۳). ﴿صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ . 11

فراوان استوار است. ۱۲ ولی می‌تواند به مدد عقاید و ارزش‌های دینی، به آرامش، قرار و توافق - تکرر برسد. ۱۳ بنابراین، اصل در ذات جوامع، کشمکش، تراحم و تعارض است؛ ۱۴؛ اما با اخذ دین الهی و حاکمیت عقاید، ارزش‌ها و قواعد دینی، یگانگی همراه با تکرر به وجود می‌آید. ۱۵

اگرچه ابعاد و موضوع تعارض و کشمکش به لحاظ اصل و ذات جوامع می‌تواند متنوع باشد، اما طبقه‌بندی تعارضات یا تکرر نیروهای اجتماعی، در نگاه اسلامی بر مبنای حق و باطل انجام می‌گیرد. ۱۶ خروجی این نوع از معرفت اجتماعی، تعارض در ذات جوامع، بر مبنای امیال و اهواء و توافق در جامعه مبتنی بر ارزش‌ها و احساسات دینی است. با وجود این، آنچه در حوزه تجویز دینی - نه تجویز مبتنی بر جامعه‌شناسی غرب - مجاز می‌شود، امکان ایجاد جامعه‌ای یکپارچه، هم‌بسته و متوافق و در همان حال متکثر است؛ جامعه‌ای متوافق - متکثر که یکپارچگی آن را عقاید، ارزش‌ها و قواعد دینی مشترک و تکرر آن را هویت‌های قومی تأمین می‌کند. هویت‌های قومی - فرهنگی موضوعاتی هستند که حق و باطل درباره آن‌ها صدق نمی‌کند و نسبت به آن خشتی تلقی می‌شوند.

آیه شریفه ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ﴾ (حجرات: ۱۳) دو نکته اساسی را مسلم فرض کرده است:

۱. پذیرش اصل هویت‌ها و مرزهای جنسیتی، قبیله‌ای و شعبه‌ای، که با هدف شناخت یکدیگر (لِتَعَارَفُوا) و انجام بهتر امور اجتماعی - نه افتخار و تفاخر - جعل شده‌اند؛

۲. تأکید بر افکار و ارزش‌های الهی که به‌عنوان افکار و ارزش‌های فراگیر، کل جامعه دینی - به‌رغم همه هویت‌ها و تشخص‌های قبیله‌ای - را شامل می‌شود. به این فرهنگ فراگیر با واژه «تقوا» اشاره شده است.

علامه طباطبایی در این مورد که «تشخص قبیله به چیست»، دیدگاهی را که در آن مطلق اختلافات، اعم از انساب و غیرانساب، شامل اختلاف در نسب، حسب (ثروت و ویژگی‌های فرهنگی)، زبان و جنسیت، در دایره اختلاف و تکرر وارد است، قابل

---

(حشر: ۱۴). ﴿... بِأَسْمِهِمْ يُبَيِّنُهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ . 12

(آل عمران: ۱۰۳). ﴿... وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ . 13

(نحل: ۹۳). ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَسَأَلْنَا عَنْكُمْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ . 14

(آل عمران: ۱۰۳). ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ . 15

کنندگی رفتار، به ساختارهای اجتماعی حاصل از ارزش‌ها و قواعد و نیز رفتار آگاهانه و . علاوه بر این، عوامل مؤثر بر تعیین شده انسان محدود نمی‌شود؛ بلکه در نگاه اسلامی، رفتار فرد انسان در دایره‌ای به وسعت هستی و در چارچوب سنت‌های الهی انتخاب حاکم بر جامعه و تاریخ صورت می‌گیرد.

قبول‌تر می‌داند تا دیدگاهی که اختلاف و تکثر را به اختلافات نژادی محدود می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ص ۴۸۸-۴۸۹).

بنابراین، با فرض پذیرش این دیدگاه، می‌توان به استناد آیه قرآن، درستی هویت‌های خاص اجتماعی و فرهنگی را — به شرط پایبندی هریک از هویت‌های اجتماعی و فرهنگی به اعتقادات و ارزش‌های فراگیر جامعه اسلامی — پذیرفت.

ریشه‌های معرفت‌شناسی تکثرگرایی

وقتی «مباحث پلورالیستی دینی» نوشته «جان هیک» و برخی دیگر از متفکران غرب مانند هریس و هارت (Sam Harris. pp. 80-81) و افرادی نظیر ساشادینا (ساشادینا، ۱۳۸۶: ص ۴۵) را مطالعه می‌کنیم، تلاش این دسته از نویسندگان برای القای این دیدگاه که میان پلورالیسم معرفتی و تکثرگرایی فرهنگی — اجتماعی ارتباط وثیق وجود دارد، به وضوح فهمیده می‌شود. جان هیک، متکلم مسیحی انگلیسی که در زمانه خود امواجی از کشمکش‌ها و تعارضات فرهنگی — اجتماعی را به رأی‌العین مشاهده کرده است، به این باور می‌رسد که بخش عظیمی از تعارضات فرهنگی — اجتماعی معاصر او به این سیاست قدیمی همگنان مسیحی خود بازمی‌گردد که براساس آن، مسیحیان (و یا پیروان سایر ادیان)، دین خود را حق مطلق و سایر ادیان را بر باطل می‌دانند؛ این در حالی است که اگر آنان به شمول‌گرایی ۱۷ یا ۱۸ یا کثرت‌گرایی ۱۹ دینی باور داشته باشند، به ناچار در زمینه اجتماعی نیز به تکثرگرایی اجتماعی و سیاسی باور خواهند داشت و به این ترتیب به جای تعارض و نزاع، جامعه‌ای متکثر و در همان حال خالی از نزاع و درگیری خواهند داشت (هیک، ۱۳۸۶: ص ۶۲).

درست در مقابل کسانی که به کثرت در باب معرفت و ادیان معتقدند، بخش دیگری از اندیشه‌ورزان هستند که به کثرت‌گرایی معرفتی و دینی اعتقادی ندارند و برخلاف اعتقاد به حقانیت ادیان، دل در گرو حقانیت دین واحد دارند. این گروه، اگرچه رابطه مثبت میان کثرت‌گرایی معرفتی دینی و همزیستی اجتماعی - سیاسی را تصدیق می‌کنند و باور دارند که کثرت‌گرایی، ممکن است شرایطی را فراهم کند که انسان‌ها به طور نسبی از کثرت‌گرایی همراه با همزیستی مسالمت‌آمیز برخوردار خواهند شد؛ اما معتقدند: اولاً این اندیشه در اصل و بنیان خود مردود است؛ ثانياً ملازمه‌ای ضروری میان نفی پلورالیسم معرفتی و دینی با نفی پلورالیسم اجتماعی وجود ندارد؛ چه بسا افراد و جوامعی که در باب معرفت و ادیان، کثرت‌گرا، اما در رفتار ستیزه‌جو و همچنین چه بسا افراد و جوامعی که در باب معرفت و ادیان معتقد به اطلاق و انحصار هستند؛ اما در رفتار بر تکثرگرایی توأم با همزیستی اصرار می‌ورزند. بنابراین، بنیان گذاشتن همزیستی اجتماعی و فرهنگی بر تکثرگرایی معرفتی، به مثابه بنیان گذاشتن آن بر

## 17 . Inclusivism .

. شمول‌گرایی نیز همانند انحصارگرایی معتقد به حق مطلق است؛ با این تفاوت که می‌افزاید سایر ادیان و مذاهب نیز تا حدودی 18 که با دین حق یا مذهب حق اشتراک داشته باشند، بهره‌ای از حقیقت مطلق و غایت قصوی را در اختیار خواهند داشت (گلپایگانی، ۱۳۷۹: ص ۲۰؛ لگنهاوزن، ۱۲۷۹: ص ۱۱).

## 19 . Pluralism.

مبنایی دروغ و بی‌اساس خواهد بود و کسانی که تکثرگرایی معرفتی و دینی را ابداع کردند، در واقع تحت تأثیر شرایط اجتماعی از اندیشه‌ای دروغین، ابزاری برای تکثرگرایی و همزیستی انسان‌ها ساختند. همچنین نفی کثرت‌گرایی معرفتی و دینی و ابزاری دانستن آن، به این معنا نیست که آنان تکثرگرایی در عالم فرهنگ و اجتماع را مردود بدانند. همه کسانی که کثرت‌گرایی معرفتی و دینی را رد کرده‌اند، همچنین پذیرفته‌اند که اصول دیگری وجود دارد که از رهگذر آن‌ها می‌توان به تکثرگرایی توأم با همزیستی دست یافت. براساس این دیدگاه، اگرچه می‌توان رابطه میان پلورالیسم معرفتی و تکثرگرایی را مثبت ارزیابی کرد؛ ولی میان پلورالیسم و همزیستی، نفیاً و اثباتاً، برای ایجاد خشونت یا همزیستی مسالمت‌آمیز، ملازمه‌ای وجود ندارد. به عبارت دیگر، اگر منتقدین به جای پلورالیسم معرفتی بر انحصارگرایی معرفت تأکید کنند، تأکیدشان به مثابه تأیید جامعه توده‌وار و یا ناهمزیستی و پذیرش تعارض و خشونت میان پیروان ادیان و اندیشه‌های گوناگون نخواهد بود؛ زیرا آنان برای راه یافتن به همزیستی اجتماعی، بر اصول ارزشی و هنجارین دیگری تأکید می‌کنند.

#### رهیافت‌های تکثرگرایی

تکثرگرایی در هویت‌های قومی و فرهنگی، در ذات خود بر ضرورت وجود هویت مشترک دلالت می‌کند؛ زیرا هیچ جامعه‌ای، حتی جامعه متکثر، بدون داشتن هویت مشترک قابل بقا نیست؛ همچنان‌که جامعه توده‌وار و کاملاً یکپارچه که هویت‌های خاص را تحمل نمی‌کند، قابلیت بقا را ندارد؛ از این رو در گفتمان انقلاب اسلامی تلاش برای همانندسازی و یکسان‌سازی هویتی که در آن هویت‌های فکری، زبانی، قومی و فرهنگی نادیده گرفته شود، مردود است.

به عبارت دیگر، در گفتمان انقلاب اسلامی، سیاست‌های تعمیم و اشاعه فرهنگ عمومی جامعه، به قیمت استحاله اقلیت‌های زبانی، دینی، مذهبی، سیاسی و قومی اتخاذ نشده است؛ زیرا این رهیافت ضمن اینکه با مبانی دینی اسلام مردود است، در واقعیت اجتماعی نیز به دلیل جمعیت‌های انبوه، خرده‌فرهنگ‌های متنوع قومی و مذهبی و زبانی، ارتباطات اجتماعی و سرعت بالای جریان اطلاعات، بالا بودن پویایی اجتماعی، مهاجرت‌ها و تحرکات اجتماعی و روانی، گسترش تخصص‌ها و گونه‌گونی عقاید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، حتی در جوامع همگن (قاسمی، ۱۳۹۶: ص ۳۵)، نه تنها ناممکن، بلکه به ستیزه‌جویی و خشونت در میان هویت‌های مختلف دامن می‌زند. اسلام با نظرداشتن این واقعیت، هم هویت‌های متکثر قومی — فرهنگی و هم هویت‌های متکثر دینی را در یک جامعه یا روابط بین‌الملل به رسمیت شناخته است. امکان عقد پیمان با ملت‌های

غیرمحراب ۲۰، اصالت صلح ۲۱، اصل تفاهم و گفتگو ۲۲، اصل اعتزال ۲۳، تجویز حضور اقلیت‌های دینی با امکان اخذ جزیه از پیروان اهل کتاب ۲۴ و اصل پذیرش هویت‌ها و مرزهای قبیله‌ای و ملی (شعوب) که با هدف شناخت قبایل و ملت‌ها از یکدیگر و انجام بهتر امور اجتماعی — نه افتخار و تفاخر — توسط خداوند جعل شده است ۲۵، همگی نشانگر پذیرش باب تکثر به مثابه یک راهبرد در درون جامعه اسلامی و یا تعامل با جوامع غیراسلامی است.

با وجود این، در پیمودن راه تکثرگرایی فرهنگی و هویتی دو راهبرد وجود دارد که گفتمان انقلاب اسلامی، راهبرد دوم را اتخاذ کرده است.

### تکثرگرایی محض

دیدگاهی است که سازماندهی و ساماندهی هم‌گرایی اجتماعی و فرهنگی یک جامعه را به‌گونه‌ای مطلوب می‌داند که در آن هویت‌های مختلف قومی، مذهبی، دینی و فکری — عقیدتی، هم امکان وسایل حفظ و حراست از ارزش‌های خاص خود را دارا هستند و هم به احقاق حقوق خود دست می‌یابند. در جامعه کثرت‌گرا، تمامی گروه‌های فرهنگی و فکری، از طریق مشارکت و همزیستی در عین حفظ ویژگی‌های خود، به یک نظام اجتماعی و سیاسی ملحق شده‌اند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ص ۹۱). در رهیافت تکثرگرایی برخلاف رهیافت یکسان‌سازی، سیاست‌ها در جهت حمایت از حفظ و یا حتی تشدید گوناگونی موجود میان گروه‌های قومی، زبانی، دینی و فرهنگی است (همان: ص ۹۲).

رهیافت تکثرگرایی، علی‌رغم ظاهر خوش‌خط‌و‌خال آن، اولاً هیچ‌گاه در وجه خالص آن امکان‌پذیر نیست. گروه‌های هیچ جامعه‌ای و نیز هیچ دو جامعه‌ای بدون وجود ارزش‌ها و عقاید فرهنگی عام و مشترک، قابلیت همزیستی و تعامل با یکدیگر را ندارند. بنابراین، فرض جامعه، جوامع یا گروه‌هایی که به لحاظ سیاسی — اجتماعی تکثرگرای محض باشند، محال است. ثانیاً

... وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابِ آلِيمٍ\* إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْفُصُواكُمْ شَيْئاً وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَداً فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ\* . 20  
(توبه: ۳-۴). ﴿عَهْدُهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ أَنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾

لا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُواكُم مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ ﴿انفال: ۶۷﴾؛ ﴿وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا﴾ . 21  
تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ أَنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ\* إِيَّامَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُواكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُواكُم مِّنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ  
(ممتحنه: ۸-۹). ﴿إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَتَوَلَّوْهُمْ وَ مَنِ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

(نخل: ۱۲۵). ﴿ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ...﴾ . 22

(نساء: ۹۰). ﴿... فَإِنْ اعْتَزَلُواكُم فَلَمْ يُقَاتِلُواكُم وَ أَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلاً﴾ . 23

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ﴿ . 24  
(توبه: ۲۹). ﴿حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ﴾

(حجرات: ۱۳). ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا أَنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ . 25

هر جامعه‌ای علی‌رغم اجرای سیاست‌های تنظیم روابط قومی، دینی و فکری — فرهنگی، ناچار است در جهت حفظ و توسعه ارزش‌های مشترک ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که به نحوی انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز را به مخاطره می‌اندازد، اقدام کند. ثالثاً مدیریت تنظیم روابط قومی، دینی و مذهبی در جوامعی که از تنوع اقوام، ادیان، مذاهب و گروه‌های فکری و فرهنگی زیادی برخوردار است، بسیار مشکل است و اغلب، به‌ویژه در جهان سوم، به جای حفظ روابط مسالمت‌آمیز به درگیری، خشونت و تعارض و در نهایت به آناشیت می‌انجامد.

#### وحدت در عین کثرت

گفتمان انقلاب اسلامی، چه در روابط درونی و چه در روابط بین‌الملل، اصل در جوامع را بر وفق می‌داند. از زاویه دید این گفتمان، رویکرد اصلی مدیریت در تنظیم روابط گروه‌های متکثر باید به سمت تعمیم ارزش‌های مشترک جهت‌گیری شود و در مرحله دوم، حق گروه‌های قومی، دینی، مذهبی، فکری — فرهنگی و سیاسی در چارچوب جامعه انسجام‌یافته به رسمیت شناخته می‌شود.

رهیافت وحدت در عین کثرت، بر این فرض اساسی بنا نهاده شده است که تحقق جامعه، بدون انسجام اجتماعی، ناممکن است و جامعه انسجام‌یافته نیز بدون تکثر اجتماعی نه تنها با ذات هستی به طور عام و موجود انسانی به طور خاص که سراسر مشحون از تنوع و رنگارنگی است، تنافی دارد؛ بلکه از پویایی اجتماعی، تحرک، حیات و شادابی که از ضرورت‌های یک جامعه برای دستیابی به اهداف اجتماعی و فرهنگی است، محروم می‌ماند. بر مبنای این فرض، راهبردها و سیاست‌های همزیستی اجتماعی در سطوح ملی و بین‌المللی به جای یکسان‌سازی گروه‌ها و جوامع، باید به سمت انسجام اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی توأم با تکثرگرایی هویتی جهت‌گیری شود (همان: ص ۱۰۶ - ۱۰۷).

از رهیافت‌های دوگانه فوق، رهیافت دوم مورد تأیید گفتمان انقلاب اسلامی است؛ به این معنا که جامعه اسلامی در همان حال که دعوت به اسلام و ارزش‌های اسلامی را سرلوحه سیاست‌ها و برنامه‌های خود قرار می‌دهد تا از آن‌ها برای ایجاد انسجام و همزیستی در جامعه ملی و بین‌جوامع استفاده کند، در همان حال، به تنوعات دینی، مذهبی و قومی در درون جامعه اسلامی و خارج از آن احترام می‌گذارد. تأکید و پافشاری قرآن و سنت بر دعوت ۲۶ و وحدت میان پیروان اسلام ۲۷ و هم‌زمان، توصیه به صلح و همزیستی با پیروان سایر ادیان ۲۸ و مذاهب و تأکید بر به رسمیت شناختن قبایل و شعوب، تا شناخت و رفع نیازها

---

۲۶. آل عمران، آیه ۶۴

۲۷. آل عمران، آیه ۱۰۳ بقره، آیه ۲۰۸؛ آل عمران، آیه ۱۰۵؛ انفال، آیه ۴۶؛ انعام، آیه ۱۰۹

۲۸. لا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ ﴿انفال: ۶۷﴾؛ وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا . 28 تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ \* إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَى ظُلْمِهِمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (ممتحنه: ۸ - ۹).

ممکن باشد، به معنای پذیرش وحدت در عین کثرت است. شرایط رهیافت وحدت در عین کثرت در ارتباط با گروه‌های قومی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی در درون جامعه اسلامی متعدد است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

شرایط رهیافت وحدت در عین کثرت در درون جامعه اسلامی و روابط بین‌الملل

الف) تولی در برابر حاکمیت اسلامی و تبری از دشمنان جامعه اسلامی: در قبال آزادی‌های قومی، مذهبی و فرهنگی هریک از گروه‌ها، البته در جهت حفظ هویت مشترک جامعه، از هویت‌های خاص خواسته شده است که با هیچ‌یک از دشمنان مسلمانان دوستی و موالات نداشته باشند. آنان مجاز به اعانت به دشمنان جامعه اسلامی نیستند؛ بنابراین، جاسوسی برای دشمنان و انجام هرگونه اقدامی که به تقویت و تسلط دشمنان اسلام گردد، ممنوع است (بدران، ۱۴۰۴هـ / ۱۹۸۴م: ص ۱۶-۱۸).

ب) حفظ کیان اجتماع اسلامی که در آن زندگی می‌کنند: بر مبنای همان تعهد و عقد نانوشته‌ای که میان هویت‌های خاص با جامعه اسلامی منعقد می‌شود، تلاش برای تأثیرگذاری منفی بر اجتماع دینی ممنوع است. بنابراین، هرگونه جهت‌گیری که هویت‌های خاص در جهت وارد کردن لطمه به منافع مشترک جامعه ایفا کنند، ممنوع خواهد بود.

گفتمان انقلاب اسلامی بر مبنای یادشده، در رعایت اصل تکثرگرایی توأم با همزیستی، در روابط بین‌الملل نیز دارای اصول ثابت اسلامی است که ممکن است با عرف تکثرگرایی حاکم بر روایت بین‌الملل ناسازگار باشد. این اصول عبارت‌اند از:

۱. وفاداری به عهد و پیمان ۲۹؛

۲. اجرای عدالت در تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ۳۰؛

۳. نفی هرگونه تلاش برای سلطه‌گری و سیطره بر جامعه اسلامی ۳۱؛

۴. جلوگیری از ظلم به مسلمانان و حمایت از مستضعفان و ملت‌های تحت ستم ۳۲؛

---

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْفُسُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتَيْتُمَا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ أَن اللَّهُ يُحِبُّ ﴿۲۹﴾ (توبه: ۴). ﴿الْمُنْتَقِينَ﴾

﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ أَن اللَّهُ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ ﴿۳۰﴾ (ممتحنه: ۸).

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ ﴿۳۱﴾ (نساء: ۱۴۱).

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ ﴿۳۲﴾ (نساء: ۷۵). ﴿أَهْلِهَا ...﴾

۵. مبارزه با حاکمیت‌های سیاسی که «صدّ عن سبیل الله» دارند و از شنیده شدن ندای دعوت حقّ ممانعت می‌کنند. ۳۳

ج) نفی سکولاریسم: بدون تردید، اکثریت قریب به اتفاق جوامع، در تنظیم روابط درونی و بیرونی خود، با بناگذاری بر اومانیزم، سیاستی سکولاریستی را در تعیین چارچوب‌های هویت مشترک و عدالت و آزادی‌های هویت‌های خاص دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر، جزء اصلی هویت مشترک، در گفتمان حاکم بر روابط بین‌الملل اومانیزم و سکولاریستی است و از همین جهت، چارچوب عدالت قضایی و اجتماعی و مرزهای آزادی هویت‌های خاص نیز در همین چارچوب تعریف می‌شود. اما گفتمان انقلاب اسلامی با عنایت به حضور دین اسلام و تشیع، عدالت قضایی و اجتماعی و نیز مرزهای آزادی هویت‌های خاص، مشروط به چارچوب‌های تعیین‌شده از نظر دین اسلام است. این بدان معناست که گفتمان انقلاب اسلامی با عنایت به ذات دینی هویت مشترک خود، تکثرگرایی هویت‌های قومی و فرهنگی را با عنایت و نظر دین اسلام تجویز می‌کند (بدران، ۱۴۰۴ هـ / ۱۹۸۴ م: ص ۱۶-۱۸؛ ر.ک: شریعتی، ۱۳۸۷ و قرضاوی، ۱۳۸۲).

چیستی هویت مشترک و هویت‌های خاص در گفتمان انقلاب اسلامی

چیستی هویت مشترک در گفتمان انقلاب اسلامی

هویت مشترک در جامعه ایران، یک هویت ترکیبی است؛ ترکیبی از اسلام به‌علاوه فرهنگ برآمده از محیط که در مجموع، از آن‌ها با نام هویت اسلامی — ملی (ایرانی) یاد می‌کنند. هرکدام از این دو جزء، نسبتی با محیط ایران برقرار می‌کنند. جزء اول، یعنی هویت ایرانی، کاملاً سرشت ایرانی داشته و وابسته به فلات ایران و سرچشمه‌گرفته از محیط جغرافیایی فلات ایران است و عناصر متعددی از قبیل سرزمین، تاریخ و میراث سیاسی مشترک، فرهنگ و جشن‌های ایرانی، زبان فارسی و فنون و آداب و سنن ایرانی را شامل می‌شود. اما جزء دوم اگرچه ذاتاً اقتضای گسترش و توسعه دارد و به لحاظ منشأ نزول و محتوا، هیچ‌گونه محدودیت و وابستگی جغرافیایی را تحمل نمی‌کند؛ اما همین اسلام در پیچ‌وخم تاریخ طولانی‌اش در هر جامعه‌ای کیفیت جداگانه‌ای می‌یابد که باعث می‌شود بتوانیم از آن به‌عنوان یکی از عناصر هویتی یاد کنیم. جوامع در اهتمام یا عدم اهتمام به برخی عناصر دینی، برداشت عمیق یا سطحی از ارزش‌های دینی و نگرش‌های تاریخی، یگانه نیستند. برای مثال، اجتهاد و تقلید، شهادت، جهاد، ولایت، موضوع انتظار، عدالت‌گرایی، احساسات و عواطف و اخوت دینی، تاریخ خلافت و ولایت یکسان نیست. حتی جوامع شیعی در درک و دریافت و یا اندازه‌ارزش‌گذاری‌ها یکسان نیستند. این نحوه از هویت مشترک که محصول دو جزء اسلام و هویت ملی — جغرافیایی و برآمده از تاریخ طولانی جامعه مسلمان ایران است، به مثابه هویت مشترک

---

یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ ﴿ (احزاب: ۲۹)؛ ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا يُخْسِنُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهُ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ . 33  
قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ ﴿ (احزاب: ۴۵-۴۶)؛ ﴿شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا \* وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُبِيرًا  
(آل عمران: ﴿بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ  
(نحل: ۱۲۵). ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (۶۴)؛

جامعه ایران عرضه شده است. اسلام و هویت ملی ایرانی، در واقع همان دو جزء مطرح شده در آیه ۱۳ سوره حجرات است. ۳۴  
گفتمان انقلاب اسلامی، این پیام را صادر می‌کند که هر جامعه‌ای و از جمله هر جامعه اسلامی می‌تواند هویت مشترک،  
مرکب از اسلام و هویت ملی خود داشته باشد. اسلام با همه مشترکات آن، هویت مشترک امت اسلامی را تشکیل می‌دهد.

در گفتمان انقلاب اسلامی، لایه‌های درونی هویت مشترک، ذاتی هستند؛ اما لایه‌های بیرونی آن به تناسب، برساخته‌ای  
اجتماعی هستند. هویت مشترک ایرانی، در لایه‌های درونی خود، دین‌گرایی، عدالت‌گرایی و حقیقت‌خواهی است. ذاتی بودن  
لایه‌های درونی هویت مشترک ایرانی، به معنای طبیعی بودن آن، اعم از بعد روحی یا ژنتیکی آن نیست؛ بلکه تحقق اخلاقی آن  
به مثابه ملکاتی اخلاقی است که در روند زمان در روح و جان مردم ایران ریشه دوانده است. وجود همین لایه‌های درونی است  
که هویت مشترک ایرانی را علی‌رغم برخی تحولات تاریخی در لایه‌های پیازی بیرونی هویت ایران، ثابت و برقرار نگاه داشته  
است.

محمدعلی اسلامی ندوشن معتقد است: با در نظر گرفتن فرضیه «تداوم تاریخی ایران» از دوره باستان تاکنون، شباهت‌ها و  
محورهای مشترکی در تمام طول حیات اجتماعی ایرانیان، به مثابه ته‌نشین‌هایی در باطن جامعه ایرانی، قابل مشاهده است.  
مهم‌ترین لایه‌های درونی یا ویژگی‌های ذاتی هویت ایرانی عبارت‌اند از:

الف) اعتقاد به پروردگار یگانه؛

ب) تفکر جهانی و اندیشه حکومت جهانی؛

ج) عدالت‌گرایی و مقابله با نابرابری‌های اجتماعی؛

د) نظم و ترتیب؛

ه) شهادت در راه عقیده و اندوه‌زدگی که در موسیقی و شعر ایرانی موج می‌زند؛

و) شکوه و تجمل و غرور ملی که در کاخ تخت جمشید، کاخ شوش و ایوان مدائن نمایش داده شده است؛

ز) اشراق و عرفان؛

ح) مهربانی، عطوفت و صلح‌گرایی؛

ط) زیبایی‌پرستی و ماسک‌گرایی که در جشن‌های نوروز و ... تجلی یافته است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ص ۲۵۸؛ روحانی ۱۳۹۰: ص ۲۰-۲۱).

همین لایه‌ها موجب شده است تا در دوره‌ای به دین زرتشت و در دوره‌ای دیگر به دین اسلام، علاقه‌مندی نشان دهد. علاقه‌مندی ایرانیان به اسلام و ثبات و پایداری آنان در گرایش به این دین، اسلام را در لایه‌های ثابت و درونی هویت مشترک ایرانی جا داده است؛ به‌گونه‌ای که از ورود اسلام به ایران و پذیرش آن توسط ایرانیان، به «جابه‌جاشدگی خانه‌به‌خانه» تعبیر شده است (همان).

با گذشت زمان، هوش و فراست ایرانی به‌علاوه لایه‌های ذاتی هویت ایرانی، به تدریج میان اسلام اهل سنت و اسلام شیعه تمایز قائل شد و با گرایش به تشیع، عناصر شیعی مهمی از قبیل ولایت، جهاد، شهادت و انتظار را به لایه‌های ذاتی هویتی خود راه داد. بنابراین، هویت مشترک در گفتمان انقلاب اسلامی، از جهتی امری متقدم است، به معنای آگاهی از جامعه‌ای سیاسی به نام ایران که تاریخ، دولت، فرهنگ مرزها، ارزش‌های اخلاقی و آداب و رسوم خاص خود را دارد، نه محصول سیاست‌های دولت مدرن (احمدی، ۱۳۹۰: ص ۱۱۲) و از جهتی متأخر است؛ به این معنا که در تاریخ معاصر ایران به‌ویژه در دوره پهلوی، تلاش وافر انجام شد تا برخی هویت‌های برساخته از قبیل باستان‌گرایی منفی با دین‌گرایی ایرانیان و نیز عناصر فرهنگ غرب، به لایه‌های درونی و هسته مرکزی هویت ایرانیان رانده شود. اما تنافی این‌گونه هویت‌های برساخته با هویت ذاتی و لایه‌های عمیق هویت ایرانیان باعث شد تا مورد ردّ و انکار قرارگیرد (ر.ک: غلامی، آذر و دی - بهمن و اسفند ۱۳۸۵: شماره ۱۰ و ۱۱).

به اعتقاد موسی نجفی، از چهار بحران هویتی تاریخ ایران، بحران هلنی و ترکی فاقد امکان هویت‌سازی بودند و نتوانستند به لایه‌های عمیق معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی ایرانیان نفوذ کنند. اما از میان دو بحران عربی و غربی، ایرانیان علی‌رغم ابراز حساسیت منفی در قبال تفاخر نژادی اعراب، اسلام را با لایه‌های ذاتی خود همراه یافتند؛ ولی در قبال بحران غربی، نهضت‌های دو سده اخیر و مقاومتی که در برابر غربی شدن انجام می‌شود و به‌خصوص ماهیت انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که فرهنگ هویت‌ساز غربی، با نیروی مقاومت هویتی ذاتی ایرانیان مواجه شده است.

باستان‌گرایی عصر پهلوی نیز به دلیل افراط و تأکید بر عناصر منفی با دین‌گرایی ایرانیان، با انقلاب اسلامی سال ۵۷ مواجه شد و به این ترتیب، با انقلاب اسلامی ایران، برای بار دیگر اسلام و عناصر هویتی شیعی، در مصادیقی از قبیل مبارزه با استکبار و ظلم‌ستیزی، دفاع از جنبش‌های آزادی‌بخش، استقلال، عدالت‌طلبی و اهتمام به هنجارها، ارزش‌ها، نمادها و مناسک شیعی، بسیار برجسته گردید و به این ترتیب، گفتمانی در باب هویت مشترک شکل گرفت که معجونی از اسلام و عناصر ایرانی غیرمنافی با دین است. اوج تحقق خارجی و توانمندی گفتمان هویتی انقلاب اسلامی، در بسیج فراگیر مردم ایران بر علیه گفتمان هویتی باستان‌گرایی تجدیدطلب سلطنت پهلوی، دفاع ۸ ساله و نیز مقاومت طولانی بر علیه استکبار غرب تجلی کرده است.

با عنایت به آنچه گفته شد، هریک از نگاه‌های «حسرت‌گرایانه معطوف به ایران باستان» و «دیدگاه دین‌محور به هویت ایرانی به‌گونه‌ای که جنبه‌های دیگر هویت ایرانی را کم‌بها یا نادیده بگیرد» (ر.ک: احمدی، ۱۳۹۰: ص ۱۶۴ - ۱۹۶) نادرست است و

به اعتقاد نگارنده، گزینش هریک و نفی دیگری، هویت ایرانیان را در هر دو جزء، به مخاطره می‌اندازد؛ بلکه حتی اگر یک آرمان‌شهری و ایران‌گرای پرشوری باشیم، راه آن دفاع از اسلام و تشیع است. دیدگاه درست در گفتمان انقلاب اسلامی، بر رهیافت هویت ترکیبی اسلام و هویت ایرانی غیرمنافی با دین اسلام، تأکید می‌ورزد. گفتمان انقلاب اسلامی دیدگاه چپ‌گرایانه معطوف به «ملیت‌ها» و «خلق‌های» ایران و نیز نگاه قوم‌محور به هویت ایرانی را از اساس نفی می‌کند.

گفتمان انقلاب اسلامی درباره هویت مشترک، در اصول اولیه قانون اساسی تصریح شده است. تصریح به اصول اعتقادی اسلام، حقانیت و عدالت، کرامت و ارزش والای آزادی، توأم با مسئولیت برای همه ملت ایران، از عناصر هویتی است که قانون اساسی، در اصل اول و دوم و اصل ۱۵۴، بر آن تأکید داشته است. تدوین‌کنندگان آن در یک نگرش سلبی به سایر نظامات حکومتی و نگرش اثباتی به نظام ولایت فقیه، «عدل» بودن آن را در کنار «حقانیت» آن، از مبانی اولیه قانون اساسی قرار داده‌اند: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت «حق» و «عدل» قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود ... به آن رأی مثبت داد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل اول). واژه «اعتقاد دیرینه» اشاره به هویت تاریخی دارد که نظام عادلانه اسلامی را پشتیبانی می‌کند؛ اعتقادات و باورهایی که بر مبنای آن، بیش از ۹۸ درصد از مردم به آن رأی داده‌اند.

امام خمینی رحمته‌الله، رهبر انقلاب اسلامی، برابری همه در برابر قانون را که برخاسته از هویت مشترک ایرانی است، تصریح می‌کنند:

«در اسلام ... همه تابع قانون‌اند، ... فرقی مابین اشخاص نیست ... فرقی مابین گروه‌ها نیست» (خمینی، ۱۳۸۹ هـ.ش: ج ۹، ص ۴۲۵).

همچنین می‌فرمایند:

«در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند، یک چیز است، و آن «قانون الهی» است (همان). همه «... در مقابل قوانین اسلام علی السواء هستند، ...» (همان: ج ۱۵، ص ۱۰۹). «همه در حقوق مساوی هستند» (همان: ج ۶، ص ۴۶۲).

برابری همه در برابر قانون برای همه هویت‌های مذهبی، دینی، قومی، طبقه‌ای و حزبی وجود دارد:

«اسلام طبقه‌ای را بر طبقه دیگر ترجیح نداده است. ... اسلام تمام طبقات را مساوی دانسته است؛ ...» (همان: ج ۷، ص ۳۲۸).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز این حق را برای همه هویت‌های خاص قائل هستند: آزادی مانند مشارکت سیاسی حقی است همگانی و همچون عدالت اجتماعی در بهره‌برداری از آن، هیچ‌گونه تبعیضی نباید وجود داشته باشد. آزادی همچون «امنیت، حق عمومی و متعلق به همه مردم در سرتاسر کشور است و اقوام مختلف، زبان‌های مختلف، عادات مختلف و ادیان مختلف، از آن بهره

می‌برند؛ چه برسد به سلاطین مختلف سیاسی. حتی کسی که با یک نهاد مهم و با اساس نظام مخالف است، شما باید (آزادی) و امنیت محیط زندگی‌اش را تأمین کنید. تنها عنصری که از این چتر عمومی خارج است، خود مجرم در حال ارتکاب جرم یا در جهت ارتکاب جرم است؛ ولی سایر افراد همه کسانی که هستند، مشمول این چتر عمومی اند و شما بایستی آن را بر سر تمام این ملت بگسترانید» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها، ۱۳۷۹/۱۱/۲۵).

### چیستی هویت مشترک در گفتمان غربی

در حالی که گفتمان انقلاب اسلامی بر ذات و لایه‌های برساخته هویت تأکید دارد، گفتمان غربی در دوره معاصر، دو راه افراط و تفریط را پیموده است. گفتمان غربی پس از جنگ‌های ۳۰ ساله اروپا و خاتمه آن با عهدنامه وستفالی، بر نوعی ناسیونالیسم و قومیت‌گرایی تأکید کرد. این مکتب در واقع بر نوعی گفتمان مشترک تأکید می‌کرد که اساس آن را ذات‌گرایی، ازلی‌گرایی و کهن‌گرایی تشکیل می‌داد. بر مبنای این مکتب که موجب گردید بسیاری از جوامع، از جمله امت اسلامی، با گسست‌های قومیتی مواجه شوند، هویت مشترک جوامع بر مبنای احساس تعلق به نیای مشترک، طایفه، تیره، قبیله، نژاد و در نهایت فرهنگ قومی تعریف شد. گفتمان غربی هویت در گرایش ناسیونالیستی آن، گاهی بر ابعاد زیست‌شناختی هویت، به معنای هویت ناشی از انگیزه‌ها یا سائقه تولید مثل ژنتیکی و استراتژی تبارگماری و تندرستی کامل تأکید می‌کند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ص ۶۸ - ۶۹).

این گفتمان هویتی، جوامع اسلامی را که هویت مشترک آن‌ها بر پایه دین شکل گرفته بود، برای مدت دو قرن و نیز هم‌اکنون، با تعارضات و تنش‌های فراوان مواجه ساخت. گفتمان هویتی قومی با تشکیل هر نوع واحد فراقومی که بر مبنای دین، امپراطوری و زبان و ادبیات فراگیر، شکل گیرد، مخالف است (اشرف، ۱۳۸۶: ص ۱۴۰). گفتمان غربی، بر ناسیونالیسم قومی، بدبینی به دیگر اقوام، ایجاد تعارض، منفعت‌جویی‌های خودخواهانه و در نهایت تفرقه استوار است و با تکثرگرایی مبتنی بر اشتراک دینی متفاوت است.

در تقابل با این مکتب، گفتمان هویتی دیگری شکل گرفت که بر مبنای آن، هویت مشترک اساساً برساخته‌ای اجتماعی و متأخر است. برساخته اجتماعی - اقتصادی هویت، در شکل اجتماعی آن، ناشی از عوامل اجتماعی - اقتصادی نوظهور، همچون سرمایه‌داری صنعتی، نابرابری منطقه‌ای و منازعات طبقاتی است و در شکل سیاسی آن، ناشی از شکل‌گیری دولت مدرن و در شکل ایدئولوژیک آن، ناشی از ریشه‌های مذهبی و هزاره‌گرایی و در شکل فرهنگی آن، ناشی از عناصر فرهنگی مدرن و در شکل ساخت‌گرایی آن، ناشی از مهندسی اجتماعی و سنت‌های ابداعی توسط نخبگان حاکم است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ص ۶۷). این برساخته جز فرهنگ مدرن و مدرنیته چیز دیگری نیست. هویت مدرنیستی، بر پایه عقل انتقادی و مدرنیستی (تکنولوژیکی) و خرد جمعی استوار است و کاری به پیشینه تاریخی و نسبت فرد با دیگران ندارد (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ص ۱۷۷).

اصولاً دیدگاه‌های مدرنی که بر متأخر بودن پدیده هویت ملی تأکید دارند، بیشتر متأثر از نظریه‌های مدرن غیربومی مربوط به ملیت است. این نظریه‌ها موارد تاریخی جامعه اروپا و ظهور دولت‌های مدرن در آنجا را پس از فروپاشی ساختارهای گسترده دینی مد نظر دارند، تا جوامعی نظیر ایران که از دوران باستان دارای دولت، فرهنگ و مرزهای سیاسی خاص خود بوده است (احمدی، ۱۳۹۰: ص ۱۱۲). هویت مدرنیته، هویت را بر مبنای حقوق شهروندی تعریف می‌کند. نخستین گام تغییر هویتی در اروپا، پیدایش ملت و تحوّل از همبستگی خونی به همبستگی فراطیفه‌ای بر مبنای حقوق شهروندی بود.

### چیستی هویت‌های خاص در گفتمان انقلاب اسلامی

هویت‌های خاص، در پرتو هویت مشترک معنا می‌یابد. هر گروهی که ضمن برخورداری از هویت مشترک، از هویت‌های ویژه فرهنگی یا قومی منحصر به خود برخوردار باشد، دارای هویت خاص است. هویت خاص در گفتمان انقلاب اسلامی، موجب امتیازات نژادی و ناسیونالیستی که در جنبه‌های افراطی آن به شووینیسیم ۳۵ می‌انجامد، نیست. این معنا از آیات و روایات فراوانی که در قرآن کریم در مورد گروه‌های بزرگ و کوچک مطرح شده است، به دست می‌آید. آیه ۱۳ سوره حجرات، همین معنا را تبیین می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: همه شعوب و قبایل (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ هـ.ش: ج ۲، ص ۳۲۷) که طبعاً دارای هویت فرهنگی هم هستند، از این جهت که از پدر و مادر واحدی خلق شده‌اند، مساوی هستند و هیچ‌کدام نسبت به دیگری برتری نژادی و فرهنگی ندارند.

برخی نیز شُعب رانه در معنای هویت قومی، بلکه در معنای هویت فرهنگی اخذ می‌کنند. از این دیدگاه، مراد از شعوب جماعت‌های مختلطی هستند که تیره و طایفه در آن‌ها ملحوظ نیست و امروزه در استعمال عرب به آن‌ها ملت اطلاق می‌شود. مثلاً گفته می‌شود: الشعب ایرانی، الشعب المصری، و قبایل همان تیره‌ها و طایفه‌ها و خانواده‌های بزرگانند (قرشی، ۱۳۷۱ هـ.ش: ج ۴، ص ۴۱). «قرآن کریم، تمام تبعیض‌های نژادی، حزبی، قومی، قبیله‌ای، اقلیمی، اقتصادی، فکری، فرهنگی، اجتماعی و نظامی را مردود می‌شمارد و ملائک فضیلت را تقوا می‌داند: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (قرآنی، ۱۳۸۸ هـ.ش: ج ۹، ص ۱۹۵). بر همین مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی، کلیه عناوین تبعیض‌آمیز در اجرای عدالت اجتماعی و سیاسی را برای همه هویت‌های خاص ملغی اعلام کرده است. «براین اساس، «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل نوزدهم). همچنین هرگونه تبعیض جنسیتی، مطابق با موازین اسلامی نفی شده است؛ بنابراین، «همه افراد ملت ایران اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلام برخوردارند» (همان، اصل بیستم).

## چیستی هویت‌های خاص در گفتمان غربی

برخلاف گفتمان انقلاب اسلامی که برای هویت‌های خاص، صرفاً ماهیت ابزاری و زیباشناختی قائل است و هویت‌های خاص را صرفاً ابزاری برای ایجاد تعاملات اجتماعی، رفع نیازمندی‌ها و از همه مهم‌تر، گل‌های زیبایی در دامنه طبیعت جامعه می‌داند، گفتمان غربی، لااقل در برخی مکاتب آن، هویت‌های خاص را از زاویه نژادگرایی، شووینیسم و قوم‌مرکزی ملاحظه می‌کند. پیامد این رویکرد به هویت‌های خاص، باعث شده است تا اولاً هویت‌های خاص گاهی در تقابل با سایر هویت‌ها و یا در تقابل با هویت مشترک قرار گرفته، برای دستیابی به امتیازات بیشتر، به کشمکش و تضاد اجتماعی رو آورند؛ ثانياً با عنایت به اینکه هویت مشترک در گفتمان غربی، با رویکرد اومانستی و سکولاریستی دیده می‌شود، حقوق هویت‌های خاص نیز از این زاویه ملاحظه می‌شود. بنابراین، هیچ‌گونه محدودیت دینی در محتوای حقوق و تکالیفی که برای هویت‌های خاص ملاحظه می‌شود، وجود ندارد.

## حقوق هویت‌های متکثر قومی و فرهنگی در گفتمان انقلاب اسلامی

هویت‌های قومی و فرهنگی با توجه به محیط جغرافیایی و تاریخی که در آن به وجود آمده‌اند، اگرچه مبتنی بر مبانی دینی و گفتمان انقلاب اسلامی، هیچ‌گونه تفاخر نژادی و قوم‌مرکزی<sup>۳۶</sup> برای آن‌ها قابل قبول نیست؛ ولی حقوق این‌گونه هویت‌ها در مبانی اسلامی و گفتمان انقلاب به رسمیت شناخته شده است. رمز و راز اینکه خداوند انسان‌ها را به صورت قبیله‌قبیله و تیره‌ها و طوایف خلق کرده است، شناخت قبایل و شعوب از یکدیگر است. بنابراین، همه هویت‌های زبانی، تاریخی، آداب و سنن و حتی هویت‌های فکری، دینی و مذهبی که در چارچوب اعتقادات، ارزش‌ها و قوانین الهی مجاز شمرده شده است، ابزار شناخت قبایل از یکدیگر محسوب می‌شوند و هویت‌ها از داشتن آن‌ها به مثابه یک حق برخوردار خواهند بود. رسمیت قومیت‌ها و ادیان ابراهیمی و مذاهب اسلامی در همین چارچوب تعریف می‌شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و امامین انقلاب اسلامی به مثابه مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده گفتمان انقلاب اسلامی، بر ضرورت اعطای حقوق هویت‌های متکثر قومی و فرهنگی تأکید کرده‌اند.

اگرچه به اقتضای هویت مشترک، «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنا عشری است»، اما به اقتضای هویت‌های خاص، «مذاهب دیگر اسلامی، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعای مربوط به آن، در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب» (همان،

۳۶. اگر گروهی فرهنگ خود را بدون دلیل (اعتقادی)، از سایر فرهنگ‌ها برتر بداند، دچار قوم‌مرکزی شده است. 36.

اصل دوازدهم). نه تنها پیروان مذاهب اسلامی، بلکه پیروان اقلیت‌های دینی، یعنی «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی (که) تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند... در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند» (همان، اصل سیزدهم).

اصل پانزدهم قانون اساسی، اگرچه به اقتضای هویت مشترک جامعه، زبان و خط فارسی را زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران قلمداد کرده است؛ ولی به اقتضای رعایت حقوق هویت‌های متکثر قومی، استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد اعلام شده است.

در اصل بیست و سوم، برای همه هویت‌های فکری و فرهنگی، از قبیل احزاب و اقلیت‌های دینی، حق آزادی به رسمیت شناخته شده است. در این اصل، «تفتیش عقاید ممنوع» اعلام شده است و بنابراین، «هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد» (همان، اصل بیست و سوم). در اصل بیست و چهارم، «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب» آزاد اعلام شده‌اند؛ «مگر آنکه (به اقتضای هویت مشترک)، مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد» (همان، اصل بیست و چهارم). در اصل بیست و ششم «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند؛ مشروط به اینکه (به اقتضای هویت مشترک) اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت» (همان، اصل بیست و ششم).

آنچه در اینجا باید یادآور شد، اینکه همه حقوق لحاظ‌شده برای هویت‌های متکثر قومی، مشروط به حفظ حریم هویت مشترک گفتمان انقلاب اسلامی است و از این جهت، هویت‌های متکثر قومی نیز باید حساسیت‌ها و ملاحظات هویت مشترک را ملاحظه کنند. بر همین مبناست که هویت‌های دینی و مذهبی الزاماً باید بر مبنای هویت واقعی خود رفتار کنند. از این رو اقلیت‌های دینی یا مذهبی در نظام قضایی خود نمی‌توانند براساس مبانی سکولار و عقل خودبینانه رفتار داشته باشند؛ کما اینکه اقلیت‌های بی‌بنیاد، نظیر بهائیت و ازلیت، هیچ‌گونه رسمیتی نخواهند داشت» (خمینی، ۱۳۸۹ هـ.ش: ج ۷، ص ۴۸۷).

هویت‌های خاص باید از هر جهت اصالت داشته باشند؛ بنابراین، قومیت‌ها و یا مذاهب و یا فرهنگ‌های خلق الساعه به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

هویت‌های خاص همچنان که در عمل، به اقتضای فرهنگ، مذهب یا دین خود آزادند، حفظ حریم ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی را باید از محدودیت‌های آزادی در نظر بگیرند. به همین دلیل است که امام خمینی رحمته‌الله علیه، تعریف ویژه‌ای برای آزادی داشته‌اند که با تعریف آزادی که در عرف مکاتب اومانیستی — سکولاریستی برای هویت‌های خاص مطرح است، متفاوت است. امام خمینی رحمته‌الله علیه، آزادی را از چشم‌انداز دین تعریف کرده و هرگونه «آزادی به شکل غربی» (همان: ج ۲۱، ص ۴۳۵) و «غیرمنطقی» (همان: ج ۸، ص ۲۸۳) را که نتیجه آن فقدان هرگونه قیدوبند (همان: ج ۹، ص ۸۲) و آزادی فحشا و مراکز فحشا

باشد (همان: ج ۷، ص ۵۳۶)، مردود می‌دانست. از نظر او، «آزادی که غرب می‌خواهد، یک آزادی بی‌بندوبار است؛ هرکه هر کاری دلش بخواهد می‌کند. یک آزادی است که مخالف با اخلاق است؛ مخالف با سنن انسانی است» (همان: ج ۸، ص ۹۷).

حدود و مرزهای آزادی به واسطه قوانین اسلامی مشخص و تعیین می‌شود. براین اساس، امام خمینی رحمته الله علیه معتقد بود: به همان اندازه که دولت اسلامی باید دغدغه پاسداری از حریم آزادی‌های مردم را داشته باشد، باید دغدغه اجرای قوانین اسلامی و برقراری نظم و امنیت اخلاقی جامعه اسلامی را نیز داشته باشد (جمشیدی، ۱۳۸۸: ص ۲۶۲). می‌توان در قالب یک اصل کلی این‌گونه نتیجه گرفت که از نظر او هویت‌های خاص آزادند و در مورد آن‌ها عدالت اجتماعی وجود دارد؛ مگر اینکه منافع ملی که از جمله آن‌ها هویت اسلامی است، شکسته شود.

علاوه بر قانون اساسی، امامین انقلاب اسلامی نیز سخنان بلندی در حقوق هویت‌های خاص مطرح کرده‌اند:

هویت حزبی: تأسیس حزب و انجام فعالیت‌های حزبی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه بلامانع است؛ هر چند که اصل تشکیل احزاب در کشورهای شرقی برای ایجاد اختلاف در میان ملت‌ها بوده است (خمینی، ۱۳۸۹ هـ. ش: ج ۵، ص ۲۷۵)؛ اما آن‌ها به شرط توجه به منافع ملی، در پیگیری اهداف و منافع حزبی خود، از آزادی برخوردارند.

«احزاب آزادند که مخالفت با ما یا با هر چیزی بکنند؛ مادامی که اقداماتشان مضر به کشور نباشد» (همان: ج ۵، ص ۴۸۲).

هویت دینی:

«در اسلام حقوق همه ملت‌ها مراعات شده است: حقوق مسیحین مراعات شده است؛ حقوق یهود و زرتشتین مراعات شده است؛ تمام افراد عالم را بشر می‌داند و حق بشری برای آن‌ها قائل است؛ تمام عالم را به نظر محبت نگاه می‌کند...» (همان: ج ۶، ص ۴۶۸).

هویت مذهبی: من مکرر اعلام کرده‌ام... تمام مسلمین - چه اهل سنت و چه شیعی - برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند» (همان: ج ۹، ص ۳۵۱؛ ج ۷، ص ۳۳۶).

هویت نژادی، قومی و زبانی:

«اسلام برنامه‌اش این است که مابین فقیر و غنی و نمی‌دانم، کُرد و ترک و لُر و این‌ها فرق نگذارد. همه برادر و همه برابر، و برای همه است» (همان: ج ۹، ص ۴۸۵).

همچنین فرموده‌اند:

«من کراراً در خطابه‌هایی که ایراد کردم و در نوشته‌هایی که داشتم، دو مطلب را رویش تأکید کردم. در اسلام نژاد، گروه، دستجات، زبان، این‌طور چیزها مطرح نیست. اسلام برای همه است و به نفع همه و ما با شما برادر هستیم به حکم قرآن، به

حکم اسلام، و از هم جدا نیستیم. با کردها، با ترک‌ها، با بلوچ‌ها، همه برادر و باید با هم زندگی کنیم» (همان: ج ۹، ص ۳۵۹؛ ج ۹، ص ۳۴۲).

نیز فرموده‌اند:

«من به همه اقشار ملت- به تمام- عرض می‌کنم که در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیرغنی، اشخاص سفید و سیاه، اشخاص [و] گروه‌های مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم، و ترک و غیرترک- به هیچ وجه- امتیازی ندارند» (خمینی، ۱۳۸۹ هـ.ش: ج ۹، ص ۳۵۹؛ ج ۶، ص ۴۶۱).

هویت‌های سیاسی:

«در اسلام ... همه تابع قانون‌اند، و قانون هم قانون خداست. قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است ... فرقی مابین اشخاص نیست ... فرقی مابین گروه‌ها نیست. ... نه اینکه حسبی در کار باشد، نه اینکه نسبی در کار باشد. این حرف‌ها مطرح نیست در اسلام. در اسلام يك قانون است و آن قانون الهی» (همان: ج ۹، ص ۴۲۵).

همچنین می‌فرماید:

«اسلام بزرگ تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده؛ و تقوا و تعهد به اسلام، تنها کرامت انسان‌هاست و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی، حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است» (همان: ج ۱۱، ص ۵۶).

مقام معظم رهبری، بر ضرورت حفظ هویت مشترک تأکید دارند. ایشان اسلام، انقلاب اسلامی و رهبری را از عوامل پیوند میان همه اقوام ایرانی و پیروان مذاهب اسلامی می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳/۴/۱۳۶۸). به همین دلیل:

«در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می‌خواستند بروند، از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خون‌ها درهم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد» (خامنه‌ای، ۱۳/۵/۱۳۷۵)

با وجود این، آنچه مایه نگرانی است، نفوذ استکبار و عوامل آنان برای از بین بردن وحدت و اشتراکی است که در سایه دین اسلام، هویت تاریخی ایران و انقلاب اسلامی به وجود آمده است.

«دشمن هم بیکار نمی‌ماند و از ابزارهای قدیمی تفرقه‌انگیز استفاده می‌کند؛ از قومیت‌ها، مذهب و طایفه‌گری استفاده می‌کند و موضوعاتی را که اسلام تأکید کرده که عمده نشوند، آن‌ها را عمده می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۸/۲/۱۳۸۳).

از سوی دیگر، آیت‌الله خامنه‌ای، وجود قومیت‌ها و مذاهب را به وجهی که در کنار یکدیگر از همبستگی و یکپارچگی برخوردارند، زیبا و فرصت مغتنم می‌داند:

«این ترکیبی که من اینجا مشاهده می‌کنم - برادران عزیز از کرد و فارس، و از سنی و شیعه، که در کردستان و در مناطق کردنشین هم شبیه همین اجتماعات و محبت‌ها و صمیمیت‌ها را مشاهده کرده‌ام - و این یگانگی، برای دوستان زیبا و برای دشمنان دردآور است (خامنه‌ای، ۱۳/۴/۱۳۶۸). ما بارها تکرار کردیم که تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است. نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی، مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا، یک‌جانبه‌نگر نیست؛ این را به طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست، که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته - در دهه ۶۰، زمان حیات مبارک امام علیه السلام - چنین چیزی نبوده. نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش اسلام و ایرانی بودن است؛ اسلام و ایرانیت. همه مسلمان‌ها و همه ایرانی‌ها در این نگاه، در محدوده جغرافیایی کشور دارای ارزش هستند. این فکر را نظام جمهوری اسلامی می‌خواهد نهادینه کند» (خامنه‌ای، ۲۴/۲/۸۶).

مقایسه حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی و دینی در گفتمان انقلاب اسلامی با آنچه در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و یا «اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی» آمده است، نشان می‌دهد که تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد. در ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر ....، از تمام حقوق و همه آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه بهره‌مند گردد. در ماده ۷ اعلامیه مذکور نیز آمده است: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند». اعلامیه جهانی حقوق بشر:

[https://iran.un.org/sites/default/files/2019-11/UniversalDeclarationHR\\_0.pdf](https://iran.un.org/sites/default/files/2019-11/UniversalDeclarationHR_0.pdf)

در اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها نیز عبارت‌هایی وجود دارد که از جهت مضمون هیچ تفاوتی با آنچه که در اصول ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۳، ۲۴ و ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است، وجود ندارد. برای مثال، در بند ۱ و ۲ از ماده دوم اعلامیه مذکور آمده است: «افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی حق دارند از فرهنگ خود بهره‌مند شوند، به مذهب خویش عمل کنند و از زبان خود در خلوت و در اجتماع آزادانه و بدون هیچ‌گونه مداخله و تبعیض استفاده کنند. ... افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند در حیات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و دولتی مشارکت کامل داشته باشند» (اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی، <http://iaail.blogfa.com/post/58>).

علی‌رغم این مشابهت یادآوری چند نکته ضروری است:

الف) حقوق تصریح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی و سخنان رهبران انقلاب اسلامی از پشتوانه اعتقادی برخوردار است و از این جهت التزام به آن شدیدتر است.

ب) در اعلامیه‌های مذکور، به هویت مشترک و ضرورت آن که بنیان وفاق و نظم اجتماعی است، سخنی به میان نیامده و یا به صورت ضعیف مطرح شده است. برای مثال، در بند سوم اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها، سهم اقلیت‌ها در اتخاذ تصمیمات که مرتبط با آن‌هاست، مشروط به عدم مغایرت با قوانین ملی شده است (اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی، <http://iail.blogfa.com/post/58>). این شرط اگرچه ارزشمند و نشانه‌ای از ملاحظه هویت ملی و مشترک است، اما بسیار ضعیف است. عدم تأکید بر هویت مشترک و یا طرح آن به صورت ضعیف، همان چیزی است که موجبات تحریکات قومی، ناسیونالیسم، قوم‌مرکزی و نژادپرستی می‌شود.

ج) در گفتمان انقلاب اسلامی، آزادی‌های قومی و مذهبی در چارچوب فرهنگ اسلامی انجام می‌گیرد و همین امر، آزادی‌های مطرح شده در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» را از محدوده سکولاریسم خارج کرده و در وادی دین قرار می‌دهد.

#### نظام حفظ تنوع هویت‌های خاص

نظام حفظ تنوع هویت‌های خاص، در هر جامعه‌ای ممکن است متفاوت باشد. از این جهت نمی‌توان نظام واحدی را برای همه جوامع ارائه کرد. گوناگونی و ناهمگنی و تنوع در جامعه ایران، عمدتاً از منظر فرهنگی و در قالب مذهب و زبان و بر بنیاد جغرافیا تجلی پیدا کرده است.

گفتمان انقلاب اسلامی با عنایت به ویژگی‌های فرهنگی و هویت تاریخی اقوام ایرانی، نظام فدرالیسم را به شدت رد و نظام حقوق اسلامی را پیشنهاد می‌دهد. هویت تاریخی هویت‌های خاص، نشان می‌دهد، برخلاف بسیاری دیگر از هویت‌های قومی در جوامع دیگر که برساخته قرون اخیر هستند، از ریشه‌های تاریخی چند هزارساله برخوردارند. هویت‌های برساخته، هیچ‌گونه احساس مشترکی با نظام سیاسی و هویت ملی و تاریخی برقرار نمی‌کنند. به عبارت دیگر، آنان دارای احساس مشترک با هویت ملی نیستند. هویت‌های خاص در گفتمان غربی پیگیر آن هستند تا از طریق ناسیونالیسم، حقوق خود را استیفا کنند. در مقابل، هویت‌های کهن ایرانی، در داشتن احساس ایرانی بودن و برقراری حس مشترک با هویت اسلامی و ملی ایران و نظام سیاسی اسلامی، دارای پیوند عمیق و ریشه‌دار هستند. همین امر است که انسجام و یکپارچگی میان گروه‌های مختلف قومی، مذهبی و دینی در جامعه ایران را از جوامع پیرامونی ممتاز کرده است. به همین علت، نظام فدرالیستی در ایران مورد رد و انکار اقوام ایرانی قرار گرفته است. اقوام ایرانی، خود را بخشی اصیل و غیرقابل انفکاک از جامعه ایران می‌دانند؛ گویا بخشی از هویت آن‌ها با ایرانی بودن آن‌ها تحقق پیدا کرده است.

## نتیجه‌گیری

۱. ریشه‌های معرفت اجتماعی و مبانی معرفت‌شناسی تکثرگرایی در دو گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان غربی متفاوت است. در حالی که گفتمان غربی برای دستیابی به ضرورت و توصیه و تجویز تکثرگرایی، بر واقعیت تعامل میان جنبه‌های خلاق انسان و جنبه‌های اجتماعی انسان تأکید می‌ورزد، در گفتمان انقلاب اسلامی، اگرچه به لحاظ انسان‌شناختی، ذات جامعه را بر تراحم و ستیزه‌جویی به تصویر می‌کشد؛ اما معتقد است که تکثرگرایی بر تقویت بخش تقوا و فطرت الهی انسان توسط ارزش‌های اجتماعی اسلام بنیان گذاشته شده است. ارزش‌های اجتماعی اسلام هم‌زمان، هم به ضرورت ارزش‌های مشترک جامعه و هم بر ضرورت احترام به هویت‌های قومی و فرهنگی جامعه تأکید دارد. در مبانی معرفت‌شناسی نیز این دو گفتمان، در اعتقاد به ملازمه میان کثرت‌گرایی معرفتی و تکثرگرایی اجتماعی و سیاسی با یکدیگر متفاوت‌اند.

۲. تکثرگرایی در گفتمان انقلاب اسلامی، در مبانی، رهیافت و محتوای حقوق هویت‌های قومی و فرهنگی، دارای ماهیت کاملاً دینی است؛ در حالی که در گفتمان غربی دارای ماهیت کاملاً سکولار است. از این رو اعمال آزادی‌ها و عدالت در هویت‌های قومی و مذهبی، با ریشه‌های اعتقادی دینی و در چارچوب ارزش‌های الهی تدارک می‌شود.

۳. اگرچه ریشه‌های معرفت اجتماعی تکثرگرایی در گفتمان غربی بر ضرورت ارزش‌ها و هویت مشترک تأکید دارد؛ اما اولاً در موقعیت تبیین چیستی هویت مشترک، یا به ذات‌گرایی و در نتیجه به ناسیونالیسم قومی و مذهبی منتهی می‌شود و یا آن را بر ساخته‌ای اجتماعی ناشی از مدرنیته می‌داند که خودبه‌خود، به نفی هویت می‌انجامد.

۴. گفتمان غربی در اتخاذ رویکرد تکثرگرایی و توصیه و تجویز حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، ضرورت هویت مشترک را تقریباً به فراموشی می‌سپارد و به نوعی ناسیونالیسم، قوم‌گرایی و نژادگرایی رو می‌آورد؛ در حالی که از اصول گفتمان انقلاب اسلامی، تأکید بر هویت مشترک است.

احمدی، حمید (۱۳۹۰). بنیادهای هویت ملی ایران، دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

اشرف، احمد (تابستان ۱۳۷۳). «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، ایران‌نامه، شماره ۴۷، ۵۲۱-۵۵۰.

اعلامیه جهانی حقوق بشر،

[https://iran.un.org/sites/default/files/2019-11/UniversalDeclarationHR\\_0.pdf](https://iran.un.org/sites/default/files/2019-11/UniversalDeclarationHR_0.pdf)

اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی،

<http://iaail.blogfa.com/post/58>

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی، مقدمه مترجم، ترجمه: محمدرضا جلائی‌پور.

بدران ابوالعینین بدران (۱۴۰۴هـ/ ۱۹۸۴م). العلاقات الاجتماعية بين المسلمين وغير المسلمين، دار النهضة العربية، بیروت.

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸). اندیشه سیاسی امام خمینی ره، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشکده امام خمینی ره و انقلاب اسلامی.

حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

الحصری، ساطع (۱۹۹۰م/ ۱۳۶۹هـ). الاعمال القومية لساطع الحصری، مرکز دراسات الوحدة العربية، بیروت.

خامنه‌ای، علی، پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content>

خسروی، علیرضا (۱۳۹۱). دین، انقلاب اسلامی و هویت، چاپ اول، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱). چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.

خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹هـ.ش). صحیفه امام، چاپ ۵، ایران - تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴هـ.ش). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، تهران، مرتضوی.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۹). تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، چاپ دوم، تهران، نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۹۳). فرهنگ پسامدرن، چاپ اول، تهران، نشر نی.

روحانی، حسن و دیگران (۱۳۹۰). «چشم‌انداز هویت ملی و دینی»، مجموعه مقالات آینده‌شناسی هویت‌های جمعی در ایران، چاپ دوم، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ص ۹-۴۰.

ریتزر، جورج (۱۳۸۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ دهم، تهران، انتشارات علمی.

ساشادینا، عبدالعزیز (۱۳۸۶). مبانی همزیستی اجتماعی در اسلام، ترجمه: محمدرضا هاشمی، تهران، نشر ادیان.

شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۷). حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

صالحی امیری، رضا (۱۳۸۸). مدیریت منازعات قومی در ایران، چاپ دوم، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.

الطائی، علی (۱۳۸۲ش). بحران هویت قومی در ایران، چاپ دوم، تهران، نشر شادگان.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴هـ.ش). ترجمه تفسیر المیزان، چاپ ۵، ایران - قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

غلامی، رضا (بهمن و اسفند ۱۳۸۵). گزارش کرسی نظریه پردازی با عنوان: «تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان»، مجله پژوهشگران آذر و دی - شماره ۱۰ و ۱۱، پایگاه اطلاع رسانی حوزه،

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/6280/6300/69412>

قاسمه، مهری (۱۳۸۹). «فدرالیسم، راه‌حل تنوع قومی در ایران نیست»، مجموعه مقالات کنکاشی در هویت ایرانی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، اول، تهران، ص ۱۹۵-۲۳۳.

قاسمی، علی (۱۳۹۶). بنیان‌های نظری سیاست تنوع فرهنگی و همبستگی در اندیشه سیاسی اسلام، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایگاه شورای نگهبان،

<https://www.shora-gc.ir/fa/news/4707> ،

قرائتی، محسن (۱۳۸۸هـ.ش). تفسیر نور، چاپ ۱، ایران - تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱هـ.ش). قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

قرضاوی، یوسف (۱۳۸۲). غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، ترجمه: مجروم (داوود) دشتی، چاپ اول، تهران، نشر احسان.

گودرزی، حسین (۱۳۸۵ش). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، چاپ اول، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.

لگنهاوزن، محمد(۱۲۷۹). اسلام و کثرت‌گرایی دینی، ترجمه: نرگس جواندل، قم، مؤسسه فرهنگی طه.  
میرمحمدی، داود(۱۳۸۳). گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.  
معین، محمد(۱۳۷۵). فرهنگ فارسی (متوسط)، نهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.  
هیگ، جان(۱۳۸۶). مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، چاپ اول، تهران، نشر علم.  
ابن بابویه، محمد بن علی(۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم(نرم‌افزار نور).

Sam Harris (2006). Letter to a Christian Nation. Alfred A. Knopf. pp. 80-. ISBN 978-0-307-26577-7